

بررسی مقارن دیدگاه توسل به اولیای الهی در اندیشه رشید رضا و آیت الله سبحانی

مدیحه برزگر ریحانی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ ترم پنجم سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی الزهراء (ع)، گرگان، استان گلستان، مدرّس و فعال فرهنگی
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)
^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

توسل از مهم ترین قوانین نظام حکیمانه هستی و آفرینش است که همه عقلای عالم در زندگی خود بر عقلانیت و مشروعیت آن اذعان دارند. به مقتضای نظام موجود در این جهان، همه انسانها برای نیل به کمالات و اهداف متعالی خویش، به غیر خود محتاج اند و البته این نیاز و وابستگی در سایر موجودات نیز جریان دارد. قانون توسل به عنوان یک واقعیت تکوینی، در نظام هستی حاکم است و هیچ کس نسبت به جریان حتمی این سنت در نظام حکیمانه الهی تردید ندارد. این اهمیت موجب شده تا چارچوب چنین اعتقادی در معرض مکاتب و گروه های علمی و فرقه های مختلف قرار گیرد. مقاله حاضر با شیوه کتابخانه ای و روشی توصیفی و تجلیلی با بهره گیری از منابع و ابزار کتابخانه به آن پرداخته و به ابهامات و سوالات اساسی و مهمی در این خصوص پاسخ گفته است. از جمله یافته های این تحقیق این است که توسل انواع فراوانی دارد که بعضی از انواع توسل به اتفاق همه دانشمندان از جمله رشید رضا و آیت الله سبحانی جایز و بعضی از آن ممنوع است و بعضی دیگر مورد اختلاف است، اصل توسل مورد اتفاق همه مسلمانان بوده ولی در تعیین مصادیق یا مصادیق توسل بین آنان اختلاف وجود دارد.

واژه های کلیدی: توسل، رشید رضا، سبحانی، شرک، عبودیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بدون تردید یکی از مقتضیات این عالم مادی که ما در آن زندگی می‌کنیم وجود مشکلات، کاستیها، نقصها و تضادها است که هر انسانی در هر شرایطی که زندگی می‌کند جلوه‌ای از این شاخص‌های مشکلات و ناملایمات را در حیات فردی و اجتماعی خود لمس می‌کند، بنابراین وجه مشترک همه انسان‌ها از این منظر برخورداری آنان از مشکلات، سختی‌ها و ناملایمات است. در این رابطه آنچه که وجوه تمایز میان انسان‌ها به حساب می‌آید و نوع تعامل و شیوه مواجهه با این مشکلات است که هرکسی متناسب با افکار، عقاید، آموخته‌ها، تجارب و روشهای تربیتی خود گزینه‌ای را برای حل و برون‌رفت از مصائب مشکلات و بیماری‌های سخت درمان، به هر چیزی چنگ می‌زند، بسیار دیده شده که آدم‌های نومید از همه چیز و همه کس، به امید رهایی به هر آن چیزی که گمان‌رهایی و مفید بودن را می‌دهند رو می‌آورند، از نظر افراد دیگر، اینگونه رفتارها نه تنها خردمندانه نیست بلکه افرادی خرافی و دور از نشان انسان عاقل است آنچه در اینجا و در این مقاله مورد نظر است بررسی ارتباط توسل با توحید و نگرش دین به آن به عنوان راهی برای رهایی از مشکلات و مسائل سخت است بنابراین در این مقاله بر آنیم تا با بررسی دو نظریه آیت الله سبحانی و رشید رضا و بررسی تطبیقی این دو نظریه به نظریه‌ای درست دست پیدا کنیم و مقاله حاضر در مقام تبیین راهکاری است که ضامن سعادت انسان و برون‌رفت از مشکلات و گرفتاری‌ها باشد.

بیان مسئله

توسل وسیله قرار دادن چیزی برای رسیدن به مقصود است و این معنای عام و گسترده‌ای است که همه انواع و واسطه‌ها و اسباب، اعم از مادی و معنوی را در بر می‌گیرد با اندکی تأمل، به وضوح می‌توان در یافت که خدای سبحان جهان هستی را بر اساس نظام اسباب و علل ایجاد کرده ادراه می‌کند و همه نیازمندی‌های بشر، ضابطه مند و بر طبق قوانین و سنت‌های الهی بر آورده می‌شوند چرا که اراده حکیمانه حضرت حق بر این تعلق گرفته که فیوضات الهی، اعم از رزق، عطا، فضل، توفیق، هدایت، غفران و مغفرت و ... از مجاری خاص به بشر ارزانی می‌شود. و این یک سنت همیشگی و غیر قابل تغییر، در این عالم است. و هیچ مانعی ندارد که لطف و عنایت الهی، از طریق توسل مردم به نفوس پاک و شایسته‌ای شامل افراد گردد. از آنجا که آثار ارزنده هر پدیده‌ای بستگی به ارزش و اهمیت آن دارد و از چون توسل از اهمیت بالایی برخوردار است در این مجال با تطبیق دو نظریه رشید رضا و سبحانی به آن می‌پردازیم. توسل جزو اموری است که اگر درست به معنای آن و مصادیق آن توجه نشود موجب کفر خواهد شد. لذا عنوان این مقاله بررسی تطبیقی دو نظریه سبحانی و رشید رضا درباره توسل به اولیای می‌باشد و دیدگاه این دو نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علت انتخاب موضوع و اهمیت و فایده آن

فطرت و عقل آدمی ضرورت توسل به انبیاء و اولیای الهی را در بر می‌یابد چرا که با حذف آن از صحنه زندگی انسان دچار مشکلات روحی و روانی فراوانی می‌شود و آرامش روانی او را به خطر می‌اندازد پس عقل نیز در چنین شرایطی حکم می‌کند که همه انسانها در زندگی خود در برابر مشکلات و سختی‌ها باید به چنین متوسل شوند تا آرامش در زندگی آنها حاکم شود این دستور عقل ما دستور وحیانی نیز پشتیبانی می‌شود آنجا که خدای متعال می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده آیه ۳۵) فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و دست‌آویزی برای تقرب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا اینکه پیروز شوید» با این بیان خداوند متعال به توسل جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. نظر به مطالب فوق می‌توان عنوان نمود که توسل آثار فراوانی در زندگی انسان‌ها می‌

تواند ایفا کند همین مسأله موجب شده، به بررسی این موضوع بپردازم تا در راستای آن به حقیقت این مسأله و درستی آن دست پیدا کنم.

پیشینه موضوع تحقیق

گرچه دو آیه در مورد توسل وارد شده است و از آنجا که پیشینه موضوع در راستای تدوین این موضوع راه گشا بوده و از تکرار گزینش مجدد آن جلوگیری می کند ولی با بررسی، کتابی مدون درباره تطبیق این دو نظریه در این زمینه یافت نشد و در کتاب های اخلاقی هم به صورت محدود به این موضوع پرداخته است و مفسران هم در ذیل آیات مطالبی ارزنده در تفاسیر خود بیان داشته اند لیکن این موضوع به صورت مدون به رشته تحریر در نیامده است حال آنکه چنین بحث هایی بسیار ضروری است. از جمله کتابی که در این زمینه نوشته شده است:

کتاب مرزبانی از مکتب اهل بیت (علیه السلام) نوشته آیت الله جعفر سبحانی می باشد جعفر سبحانی در این کتاب به مسأله توحید و توسل و شبهات مطرح شده در این باره می پردازد و به این مسأله توجه کرده است و بر این باور است که این مسئله در دین ریشه دارد و روایاتی صحیح هم در این زمینه داریم. (سبحانی - جعفر، مرزبانی از مکتب اهل بیت، ص ۱۸۱) اما در این کتاب به تطبیق نظریه خود با فرد دیگر پرداخته است، مقالات و و پایان نامه های انجام شده در زمینه توسل از تنوع بیشتری برخوردار است بیشتر محققان سعی کرده اند تا با محور قرار دادن مفهوم توسل به آثار و اخسام آن بپردازند نویسنده مقاله توسل از نگاه فریقین بر این باور است که چون حکم توسل در قرآن به صورت مطلق آمده دانشمندان در تعیین وسیله اختلاف کرده اند بعضی از آنان فقط عمل خیر و ایمان به خدا و اطاعت رسول را وسیله قرار می دهند و دیگران می گویند چون حکم مطلق است توسل به هر آنچه آدمی را به خدا نزدیک کند جایز است (فراهین عابدی، توسل از نگاه فریقین، ص ۳) نوشته مورد نظر کمتر به نظریات عالمان شیعه و اهل سنت پرداخته و بیشتر به مفهوم توسل توجه داشته است. صاحب نظر دیگری در خود این گونه نوشته است: اصل توسل مورد اتفاق همه مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعه و وهابیان است ولی در تعیین مصداق یا مصداق توسل بین مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد (سید مصطفی مناقب، بررسی مسأله توسل به پیامبر اکرم، ص ۱) همچنین پایان نامه های بسیاری در این زمینه مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت اما از مجموع مباحث مطرح شده می توان چنین استنباط کرد که اکثر محققین تلاش کردند فقط به مفهوم آن و اخسام آن بپردازند و به صورت جداگانه به این دو نظریه نپرداخته اند. از این رو نگارنده کوشیده است تا به بررسی تطبیقی دو نظریه در مورد توسل بپردازد.

۱. توسل در لغت و اصطلاح

توسل در لغت به این معانی آمده است: درجه، قربت، منزلت، جستن نزد خدا (ابن منظور ۱۴۰۸ ه ق ج ۱۵ ص ۳۰۱، فراهیدی ۱۴۰۵ ه ق ج ۳ ص ۱۹۵۱، طریحی ۱۳۸۶ ه ق ج ۳ ص ۱۹۵۳) و نیز به معنای رغبت (رغبت ابن فارس ۱۳۶۶ ه ق ج ۶ ص ۱۱۰ همچنین به معنای توسل جشن شی با رغبت، (راغب اصفهانی، ص ۵۲۳) شی ای که به توسط آن به غیر نزدیک شوند، (جوهری ۱۴۱۴ ه ق ج ۵ ص ۱۸۴۱، قیومی ۱۴۱۴ ص ۶۶) تقرب و نزدیکی، (قریشی، ج ۵-۷ ص ۳۱۸). با توجه به مفاهیم مختلف و مشترک برای واژه توسل و وسیله، در جمله ای کوتاه می توان گفت که توسل، عبارت از عملی است که با شوق و رغبت برای رسیدن به قرب خدا انجام می شود. بر این اساس مفهوم اصطلاحی توسل آن است که بنده خدا، چیزی یا کسی را در پیشگاه باری تعالی واسطه کند تا حضرتش دعای او را بپذیرد و وی به مطلوب خویش برسد. به تعبیر دیگر «وسيله» هر چیزی باشد که آدمی را به خدا نزدیک کند؛ نظر اعمال نیک، ترک منہیات، دعا، واسطه جستن به اسمی از اسمای الهی و صفتی از اوصاف خداوندی یا مومن صالح (آلوسی، ۱۴۵ ه ق ج ۶ ص ۱۲۶-۱۲۸). بنابراین برای

تعریف جامعی از مفهوم وسیله می توان پذیرفت که : « اسم لکل ما تیوصل به الی مرضاه الله من علم و عمل » (رشید رضا ، ۱۳۹۳ ه ق ، ج ۶ ص ۳۰۷).

۲. انواع توسل

با دقت نظر در منابع اسلامی ، نتیجه می گیریم که هیچ یک از دانشمندان اسلامی توسل را ممنوع نمی دانند و حتی ابن تیمیه، به عنوان بزرگترین ناقدان اصل توسل ، بعضی از انواع آن را جایز می شمارد . در اینجا لازم است پیش از بحث از بررسی دو نظریه ابتدا انواع توسل به اجمال بدین شرح بیان گردد .

الف : توسل های مشروع : شامل توسل به ذات خدا ، اوصاف او ، ایمان و اعمال نیک ، قرآن ، توسل به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت و آثار و دعا و محبت آن حضرت در زمان حیات آن جناب و دعا برادران مومن و انبیا و اوصیا در زمان حیات آنان است .

ب : توسل های غیر مشروع : عبارت از توسل به طاغوت و بت ها و توسل به انبیا و اوصیا با این اعتقاد که آنها مستقل اند .

ج : توسل های مورد اختلاف : مشتمل بر توسل به حق نبی در حیاط برزخی ، آنان که اساس بحث ما در این مقاله می باشد ،

زیرا توسل نوع اول همگان قبول دارند و آن را مشروع می دانند و توسل نوع دوم را همه دانشمندان ممنوع می دانند (سید مصطفی مناقب ، بررسی مسأله توسل به پیامبر اکرم ، ص ۶۹)

۳. دیدگاه رشید رضا صاحب المنار در باب توسل

یکی از مسائلی که صاحب المنار ، با تأثیر پذیری از تفکرات سلفیان خصوصاً ابن تیمیه و هابیت مخالفت با آن پرداخته ، موضوع توسل و بهره گیری از عنایات اولیا و صالحین ، برای رسیدن به قرب الهی است . وی توسل و وسیله گرفتن اولیا و انبیا را شرک و همانند عمل مشرکان عرب می داند و می گوید : آنان خدایان (آلهه) را مورد عبارت خود قرار می دادند و امروز همان عمل با نام دیگری، به نام توسل در میان مسلمانان رواج دارد (رشید رضا ، ج ۱۱، المنار ، ص ۷، ج ۸، ص ۱۴۷-۱۴۸) اینک به بیان دیدگاه ایشان در باب توسل می پردازیم .

۴. معنای وسیله در قرآن و روایات

رشید رضا در موارد متعددی از تفسیر المنار ، (همان ج ۱ ص ۳۳ ، ۳۶ ، ۶۰ ، ۱۰۶ ، ۱۰۸ ، ۱۵۹ ، ۱۸۴ ، ج ۲ ص ۶۷ ، ۶۹ ج ۳ ص ۲۳ ج ۴ ص ۱۱ ، ۱۴ ج ۵ ص ۸ ج ۶ ، ۳۶۹) به بحث درباره توسل پرداخته که در جلد ششم ذیل آیه شریفه ۳۹ از سوره مائده به طور مشروح فصلی را به این بحث اختصاص داده است . رشید رضا در ذیل آیه شریفه ۳۹ از سوره مائده بانقل سخن برخی لغویین همچون (راغب و ابن منظور) به بررسی این واژه در لغت و پس در قرآن و روایات می پردازد و می گوید : « وسیله در لغت به معنای قرب و نزدیکی ، و هر چیزی که باعث نزدیکی و قرب به چیزی گردد و یا چیزی که موجب قرب و منزلت و مقامی نزد ملک و پادشاه گردد » برای کلمه وسیله در روایات اسم یک مقام و جایگاه خاصی در بهشت معنا شده است (که این جایگاه و مقام از آن پیامبر (ص) است و یکی از بالاترین منازل بهشت است) و لفظ وسیله در قرآن عبارتند از ، هر چیزی که باعث رضایت و خوشنودی خداوند گردد ، اعم از اینکه علم باشد یا عمل . (رشید رضا-المنار، ج ۶، ص ۲۷۰، ج ۷، ص ۴۳، ۵۲۲، ۵۳۲، ج ۸ ص ۲۰، ۱۴۶، ۲۵۰، ج ۱۰ ص ۷۶)

صاحب المنار در ادامه که فصل مستقلی را به این بحث اختصاص داده معانی مختلف وسیله را از نگاه متأخرین بیان می کند ، و با نقل عباراتی از کتاب « قاعده جلیله فی التوسل و الوسیله » از آثار ابن تیمیه به طور مشروح به این مسأله می پردازد ؛

انتیان به نقل از ابن تیمیه میگوید: «منظور از توسل و توجه کردن به پیامبر (ص) در کلام صحابه این است که آنها به دعا و شفاعت آن حضرت متوسل می شدند. بنابراین از واژه «توسل» سه معنی فهمیده می شود. توسل یعنی اطاعت کردن از پیامبر (ص) و این اطاعت بر همگان واجب و لازم است. و ایمان بدون اطاعت تمام نیست و چنین توسلی نه تنها جایز است که لازم هم است. توسل به دعا و شفاعت پیامبر اکرم (ص) که این معنا مربوط به زمان حیات آن حضرت می شود و همچنین مربوط به قیامت به روز قیامت است این دو قسم از توسل به اجماع مسلمانان جایز است. معنای سوم توسل عبارتند از، قسم دادن به خداوند به ذات و شخص پیامبر (ص) که چنین توسلی جایز نیست و هیچ کدام از صحابه رسول خدا (ص) در طلب باران و غیر آن چنین نکردند، نه در زمان حیات ایشان و نه بعد از رحلت ایشان و نه در کنار قبرش و نه غیر آن در هیچ جای دیگر از هیچ یک از صحابه چنین چیزی دیده نشده است. و در دعاهای وارده نیز ردی از آن دیده نشده است، همان گونه که عمر در توسل به عموی پیامبر عباس به دعایش متوسل شد نه به ذات او و اگر توسل به ذات جایز بود عمر از توسل به ذات پیامبر (ص) عدول نمی کرد. (همان، ج ۶، ص ۳۷۲، ابن تیمیه، ص ۸۲) وی روایات مخالف نظر خود را توجیه و تأویل می کند حال آنکه خود تأویل احادیث را نمی پذیرفت، و درباره حدیث توسل مرد نابینا و قرائت جمله اللهم انی استلک و اتوجه الیک بنی الرحمه که در سنن ترمذی آمده است می نویسد: «این توسل به خود پیامبر نیست، بلکه توسل به دعا و شفاعت پیامبر است، دیگر آن که در زمان حیات پیامبر است و نه در وقت ممات (صائب، ص ۱۶۹-۱۷۷) و بالاخره رشید رضا، بعد از نقل کلام ابن تیمیه، خود درباره معنای وسیله و توسل می گوید: «دو جمله کوتاه و جامع در این که: وسیله: چیزی است که مایه تقرب به خدا گردد و باعث امیدواری نسبت به رسیدن به رضایت و خشنودی خدا گردد. توسل اتخاذ وسیله ای است که بدان امر شده و آن همان تزکیه پاکي نفس که عمل کردن به امور مشروع است. (رشید رضا، ج ۶، ص ۳۷۵).

۵. توسل بدعی و توسل شرعی

رشید رضا بعد از بیان معانی مختلف توسل به نبی اکرم (ص) و پذیرش برخی از معانی آن، توسل را به دو قسم کلی تقسیم می نماید؛ توسل بدعی و توسل شرعی، و در تعریف توسل شرعی می گوید: «و در حقیقت توسل شرعی، تقرب جستن و نزدیک شدن به خداوند، به وسیله انجام دادن اعمال صالح و نیکی است که در اسلام تشریح گردیده است؛ نه روی آوردن به اعمال بدعت آمیز و تقلید کردن و پیروی نمودن و از اعمال شرک آلودی که در میان اهل کتاب و مشرکان عرب رسوم بود.» (همان ج ۱۱، ص ۷) ایشان در تفسیر المنار، به ذکر نمونه های بسیاری از توسل بدعی می پردازد که در ادامه با حکم کردن به همانندی عمل برخی (در اخذ به توسل و ...) با مشرکان عرب و اهل کتاب، عمل مسلمانان را تقبیح و شرک آلود و کفرآمیز می شمارد و در تذکری همگان را به هدایت پذیری از هدایت قرآن دعوت می نماید. (همان، ج ۳، ص ۴۵، ج ۱۱، ص ۷)

۶. بررسی مسأله همگونی توسل و شرک

رشید رضا ضمن یکی خواندن عمل مسلمانان و مشرکان و کافران در تفسیر آیه شریفه ۹۶ از سوره توبه می گوید: «لازم است به یک عمل جاهلانه بسیار زشتی اشاره کنم و آن اینکه، بعد از گفت و گو هایی که با برخی طلبه ها و دانش پژوهان علوم دینی داشتم، متوجه شدم که رفتارشان مخالف به این آیه و آیات مشابه دیگر است و آن اینکه افراد گمان می کنند، آنچه را که قرآن، از اعمال شرک آمیز از مشرکان و کافران خرده گرفته و تقبیح می کند (مثل درخواست دعا از غیر خدا و اتخاذ اولیا غیر خدا) مخصوص آنان است درحالی که همین افعال و اعمال، از برخی مسلمانان نیز انجام می شود، روشن است بین مشرکان و مسلمانان تفاوت روشنی وجود دارد: نادانی این گروه (مسلمانان) در این است که نمی دانند حکم شرک به اختلاف متعلق آن، یکی است

دو اختلاف متعلق تغییری در حکم به شرک و کفر ندارد) پس هر کس همراه خداوند، بتی یا ستاره ای را بخواند مانند کسی است که پیامبر یا فرشته ای را بخواند و اما شما درباره این دو گروه از جاهلان و پیروان آن چه می گوید؟ آنانی که با استغاثه و خواندن از انبیا و صالحین و با توسل و شفاعت خواهی از آنان از شرک و اهل آن دفاع می کنند و گروهی از مسلمانان نیز که با تبعیت از قبور صالحین، و سنت شان در پیروی از شرک، همانند مشرکان از اهل کتاب است تفاوت دارند، فرق دیگر عمل مشرکانه مسلمانان با مشرکان سابق از اهل کتاب در این است که مشرکان گذشته انبیا، اولیا و بت های خودشان به عنوان آلهه و ارباب اتخاذ می کردند و مسلمانان آلهه آنان را نمی خواندند ولی در عمل با دعا و درخواست از اولیا و استغاثه از آن ها در سختی ها و مشکلات و واسطه قرار دادن آنان، همان عمل مشرکان سابق را انجام می دهند و در حقیقت اعتقاد به خالقیت آنان دارند و سر انجام رشید رضا با نفی توسل، بر توحید عبادی و اهمیت ویژه آن تاکید می نماید. (همان، ج ۱۱، ص ۶).

ایشان در نفی توسل می گوید: « هر کس در عبادت خود به دیگری توجه کند، با اعتقاد به این که آنان واسطه تقرب به خدایند و اعتقاد به شفاعت آنان نزد خدا، داشته باشند در حقیقت آنها را عبادت کرده اند » (همان، ج ۳، ص ۳۴۷) صاحب المنار، توسل و وسیله گرفتن انبیا و اولیاء الهی را عملی شرک آمیز همانند عمل مشرکین عرب می شمارد و می گوید: « هیچ تفاوتی میان رفتار دو گروه وجود ندارد، بلکه معتقد بودند که پروردگار هر دو جهان الله است و لکن آنان بت های خود را به نام آلهه می خواندند و کلمه « اله » در فرهنگ آنان به معنای معبود است و معبود هم به معنای کسی که بدان توجه و توسل می شود. و از آنجایی که خودشان به طور طبیعی قادر به انجام خواسته هایشان نبودند به آنها « آلهه » توجه می کردند. چرا که به اعتقاد آنان خدایان قادر برای جلب منضعت و دفع ضرر هستند، حالا یا قدرتشان ذاتی است مثل قدرت الله و خدای خالق و یا به شفاعت و واسطه شدن قادر به انجام امور شان هستند. (همان ج ۱۱، ص ۷) ایشان در ادامه می گوید: فتسمیه هذه العبادة اغیر الله توسلا فی عرف بعض الناس لا یخرجها عن حقیقتها (همان) نام گذاری جنین ارتباط و توجهی را برای غیر خداوند (اولیا) به عنوان توسل در فرهنگ برخی مردم، آن را از معنای حقیقی خود که (عبادت کردن اولیا محسوب می شود) خارج نمی کند.

بدین جهت صاحب المنار توجه و توسل به اولیا الهی را در ردیف اعمال شرک آلود مشرکان زمان بعثت پیامبر (ص) دانسته و به صراحت این عمل را عبادت اولیا دو شرک خداوند متعال می داند، هر چند که ممکن است این عمل از روی نادانی و جهل انجام شود، و در جای دیگر با یکی خواندن افعال و اعمال جاهلانه اقوام پیامبران گذشته مسلمانان می گوید: « شاید اهل کتاب و اقوام پیامبران گذشته از روی نادانی مانند نادانی بسیاری از مسلمانان که حقیقت معنای عبادت را نمی دانند و گمان می کنند که احترام و تعظیم و توسل و شفاعت خواهی نسبت به اولیا الهی عبادت محسوب نمی شود و البته مشرکان عرب زمان بعثت پیامبر جاهل نبوده اند و می دانستند که توجه آنها به بت ها عبادت محسوب نمی شود زیرا که زبانشان زبان قرآن بود همچنان که قرآن از زبانشان خبر می دهد که می گفتند اینان شفیعان ما نزد خدایند و آنها را اولیای خود می خواندند. (همان، ج ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷)

ایشان در جای دیگر می گوید توسل چیزی جز شرک در عبادت نیست، (همان، ج ۸، ص ۲۰) توسل به اولیا، تولی ولایت شیطان! قرآن همواره مردم را دعوت به توحید می کند و اینکه جز خدا هیچ موجود دیگری اهلیت و شایستگی عبادت را ندارد و غیر از خدای متعال معبود دیگری وجود ندارد، و لذا آیات قرآن ولایت به معنای سرپرستی و عبودیت را فقط منحصر به خداوند می داند، قرآن نقطه مقابل ولایت خدا بر مومنین را، شیطان و طاغوت می داند؛ از این رو صاحب المنار هرگونه توجه و توسل نسبت به اولیا و دخالت دادن آنان نسبت به امور بندگان، عبادت آنان تلقی می شود و فرد را از مسیر توحید و ولایت

خداوند خارج و وارد جرگه ولایت شیطان و طاغوت می نماید. همچنین او می گوید: این معنی، توجه کردن و تولی ولایت برخی اولیا و توسل عین تولی ولایت کافران نسبت به شیطان و طاغوت است و هر کس که اعتقادی داشته باشد که چنین ولایتی و عهده داری امور مردم برای عیسی (ع) و برخی از نیکان و صالحان ثابت است. در حقیقت از شیاطین انس و جن تبعیت کرده: آن اولیا و صالحان بنابراین برای شما لازم است که از هدایت گری قرآن بهره مند شوی و از توجیبهات و تأویلات دوستان شیطان بر حذر باشی و فریب نخوری (همان، ص ۴۵).

۷. بررسی مسأله تنافی توسل با توحید ناب

رشید رضا، با بیان اینکه دین اسلام با هدف تزکیه نفوس و پاک نمودن قلوب و آماده کردن روح و روان آدمیان برای رسیدن به درجات متعالی در آخرت بهشت تشریح گردیده است، اظهار می دارد که این هدف، با اخلاص در اعمال و پرهیز، و دوری از هرگونه شرک و ریا، قابل وصول است و این همان توحید خالص و نابی است که فقط سلوک موحدان مخلص می باشد و لذا می گوید: «بنابراین فقط اینان، اهل توحید ناب و خالص اند که آن را با اتخاذ اولیاء و توسل به وسائط و اخذ به شفیعیان آلوده نمی کنند. اینان اهل اخلاص در اعمال اند که هرگز در رفتار عملی آن شرک و ریا دیده نمی شود و این ویژگی همان روح اسلام و مقصود از ایمان و دینداری است.» (همان، ص ۳۳۰) و در جای دیگر می گوید: «کسی که بین خود و خدای متعال در عبادت بگیرد مثل خواندن، پس او همان واسطه را عبادت کرده است: خدا را، زیرا اتخاذ چنین وسائلی به اخلاص در عبارت آسیب می رساند.» (همان ص ۳۴۷) و در ادامه می گوید: «خداوند ولی و سرپرست کسانی است که در رسیدن به منافع و برطرف کردن مشکلات در رسیدن به منافع و برطرف کردن مشکلات به غیر از او توجهی نداشت، چرا که در این صورت فقط خداست ولی امور آنهاست و کارهایشان را اصلاح می کند. بنابراین ما از خداوند درخواست می کنیم که ما را در زمره آنان در دنیا و آخرت قرار دهد و ما را از اهل جمود و انسان های ظاهر بین و مقلدی که با اتخاذ اولیاء، از روح اسلام غافل شده و در گمراهی قرار ندهد.» (همان)

۸. توسل به ارواح مقدسه از دیدگاه آیت الله سبحانی

قبل از پاسخ به این سوال که آیا توسل به ارواح مقدسه شرک است یا نه؟ آیت الله سبحانی سه مقدمه را متذکر می شود: مطلب اول اینکه: انسان منحصر به این بدن نیست، بلکه مرکب از بدن و روح است. مطلب دوم: بعد از مرگ انسان واقعیت دارد و باقی است، دروازه ابدیت است نه دروازه فنا مطلب سوم: این که ما در این دنیا هستیم با ارواحی که در آن برزخ هستند ارتباط برقرار می کنیم. ایشان می فرماید اگر این سه مسئله برای کسی روشن شود توسل مثل خورشید در روز روشن خواهد بود. اما اینکه انسان منحصر به این بدن است از نظر مادی ها و مآثر یا لسیت هاست زیرا آنها می گویند واقعیت انسان همین بدن است که مانند ماشین مکانیکی کار می کند و روزی هم مانند ماشین فرسوده از کار می افتد و حال آنکه الهیون دلایل عقلی و فلسفی مبنی بر اینکه بشر علاوه بر این بدن دارای روح و نفس است اقامه کرده و حتی دلایل قرآنی فراوانی را ارائه کرده است. و اما مسأله دوم هم به این معنا که مرگ به معنای فنا و نابودی انسان نیست بلکه دروازه و پلی برای زندگی به جای دیگر است که از آن به حیات برزخی تعبیر می کند روح که به عالم برزخ منتقل می شود یعنی عالمی که برای او نوعی حیات است. اعم از زیبا یا نا زیبا، نعمت یا نعمت، درباره این مطلب هم آیات قرآنی فراوانی داریم. در مورد مسأله سوم هم واضح است که انسان می تواند با مردگان ارتباط برقرار کند و در رأس آنان پیامبر اکرم (ص) می باشد اینکه با این سه مقدمه می توان به پیامبر اکرم متوسل شد و گفت یا رسول الله اشفع لنا عند الله زیرا اولاً رسول خدا دارای روح است و حیات برزخی دارد و با ما هم ارتباط دارد از این رو ما می گوییم یا رسول الله اشفع لنا عند الله، ثانیاً، این همه خطاباتی که ما در کنار قبر رسول الله (ص) یا خارج از روضه عرض می کنیم، به خاطر وجود ارتباط است و اساسی قرآنی دارد. مسلمانان طی ۱۴ قرن به پیامبر اکرم (ص) متوسل می شوند، اینکه شما می گویند بعد از موت، خبری نیست و حیات برزخی و ارتباط را

منکر می شوید خلاف قرآن است. بنابراین این مطلب بر اساس صحیح استوار است. درست نیست که بگویید این شرک است. زیرا شرک، الوهیت و خدایی قایل شدن برای برطرف است، حال آنکه ما او را بنده صالح و پاک ترین بنده خدا می دانیم پس کجایش شرک در عبادت است. و همچنین درست نیست که بگویید بدعت است زیرا بدعت چیزی است که ریشه در قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) ندارد، و حال آنکه این مسأله نه تنها در قرآن، بلکه در سیره آن حضرت نیز ریشه دارد (سبحانی، مرزبانی از مکتب اهل بیت ص ۱۵۴)

۹. نظام اسباب و مسببات

جهانی که ما در آن زندگی می کنیم جهان اسباب و مسببات است، به بیان دیگر تمام عالم روی اصلی به نام «علل و معالیل» می چرخد. کسانی که نفی اسباب دو مسببات می کنند، توحید خالقیت را بد فهمیده اند اشتباه آنان این است که بین خالق مستقل و وابسته خلط کرده اند؛ یعنی بین خالق مستقل و وابسته خلط کرده اند؛ و فرق نگذاشته اند، تمام این موثرهای غیر مستقل و وابسته جنود پروردگار جهان هستند. (همان ص ۱۵۵) در قرآن کریم به کرات آیاتی را پیدا می کنیم که فعلی را هم به خدا و هم به غیر خدا نسبت می دهد. این امر به خاطر این است که جهان، جهان اسباب و مسببات، و علل و معالیل است و این علل، سربازان خدا و تحت امر او هستند. خداوند می فرماید: «و ما يعلم جنود ربک الا هو و ما هی الا ذکری للبشر»، «و شمار سپاهان پروردگارت را جز خداوند، نداند و این سخن جز اندرزی برای مردمان نیست.» (مدثر، ۳۱) سبحانی می گوید: جهان، جهان اسباب و مسببات است، اگر ما سببیت را مطرح می کنیم، خیال نکنند که عملمان خلاف توکل و توحید در خالقیت و ربوبیت و تدبیر است، بلکه همان خدایی که خود را خالق واحد و مدبر واحد معرفی می کند، دیگران را هم دستور می دهد که دنبال اسباب و مسببات بروند، خداوند حتی کارهای خود را از عالم بالا، از طریق اسباب و مسببات انجام می دهد و می فرستد. (همان، ص ۱۵۹)

۱۰. اسباب امور دنیوی، اسباب امور معنوی

در کارهای دنیوی، خود بشر سبب را می داند مثل اینکه آب را از دل زمین در می آورند و اینکه چه گلی بکارند چه درختی بکارند و چه میوه ای بچینند، بنابراین نیاز به وحی الهی نیست و اگر هم وحی الهی آمد، نوعی کمک است، آن عقل و فکری که خدا به انسان داده است، با همان، راه زندگی دنیوی را درک می کند، اما اگر بخواهیم به مقام معنوی برسیم باید سببش را وحی، معین کند، یعنی ما خود نمی توانیم چیزی را سبب مغفرت قرار بدهیم، بلکه باید ببینیم در کتاب و سنت، سبب مغفرت و سبب استجاب دعا چیست؟ یکی از اسباب مغفرت و استجاب دعا، توسل به اسماء الله و صفات خداست و این توسل هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت آمده است. سبب دوم که خدا، برای استجاب و جلب مغفرت معین کرده است سوگند دامن خدا به قرآن مجید است که در روایات شیعه و اهل سنت این مورد هم موجود می باشد. سومین سببی که ذکر شد، توسل به عمل صالح، است؛ یعنی اگر انسان توسل به عمل صالح کند، دعایش مستجاب می شود. قسم چهارم توسل به دعای مومن می باشد که انسان به دعای مومن متوسل شود و از مومن بخواهد که در حق او دعا کند. در این مسأله جای شک و شبهه نیست و می دانیم که در راس مومنین پیامبر اکرم (ص) و آل او (ع) قرار دارند که دارای بالاترین مقام در نزد خدای متعال هستند از این رو انسان باید از آنان بخواهد که در حق او دعا کنند تا حاجتش برآورده شود و گنااهش بخشیده شود. شکی نیست که در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) این کار را انجام می گرفت، چون خداوند تو به پذیر و رحیم است واحدی هم در این شک و شبهه ندارد؛ یعنی نه ابن تیمیه و نه شاگرد او - محمد بن الوهاب - و نه علمای فعلی که خودشان را منتسب به این دو نفر می دانند، همه معتقدند که اگر مسلمانان در حال حیات پیامبر اکرم (ص) خدمت آن حضرت می رفتند و از ایشان درخواست دعا می کردند، دعای آن حضرت در حق آنان مستجاب میشد. ولی اکنون مسأله این است که آیا بعد از رحلت او، باز این آیه به قوت خود باقی است یا نه؟ رضا می گوید فقط منحصر به زمان حیات پیامبر اکرم

می باشد حال آنکه قاطبه علمای اسلام - غیر از گروه رشید رضا و ابن تیمیه و شاگردانش - می گویند: میان حال حیات و حال ممات پیغمبر اکرم (ص) فرقی نیست؛ زیرا طبق مقدمات سه گانه ای که سبحانی در کتابش و یا نموده و ما آن را ذکر کردیم اگر شک کنیم که آیا این آیه فقط به منحصر در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) است و دوران رحلت آن حضرت را شامل نمی شود، شک ما، شکی بی اساس و بی پایه است زیرا یا باید شخصیت پیامبر اکرم (ص) را منحصر در بدن یعنی حیات مادی بدانیم یا باید برای حضرت حیات برزخی قائل نشویم و یا اینکه بگوییم با ایشان ارتباطی نداریم که همه اینها خلاف واقع است. (همان، خلاصه صفحات ۱۶۱ الی ۱۶۹). بنابراین آیت الله سبحانی می گوید: از اسباب توسل این است که در کنار قبر و ضریح رسول خدا (ص) دعا و استغفار کنیم و از ایشان بخواهیم در حق ما استغفار کنند.

۱۱. شبهه وهابیون در مورد توسل و جواب آیت الله سبحانی

اولین شبهه وهابی ها این است که درخواست دعا از میت شرک است و همین که بگویید یا رسول الله در حق من دعا کن، شما مشرک شدید. پاسخ سبحانی به این شبهه این گونه بیان شده: که این کار اصلاً شرک نیست، زیرا مشرک کسی است که مشترک در ذات و یا در صفات خدا باشد، یا مشترک در ربوبیت یا در عبادت باشد، کدام است؟ هیچ کدام از اینها تطبیق نمی کند؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) را نه خالق می دانیم و نه مدبر و مربی؛ بلکه انسانی والا می دانیم که دعایش مستجاب می شود. این کجایش شرک است؟ اگر واقعاً شرک است پسر در حال حیاتش هم شرک است زیرا اگر چیزی ماهیتش شرک شد، حیات و ممات در آن موثر نیست باید دانست که خداوند منان حساب خواهد کرد که چرا مسلمانان را متهم به شرک می کنید؛ یعنی روز قیامت این کلمات شما حساب دارد پس خون هایی که ریخته می شود همه به گردن وهابیون است. (همان ص ۱۷۵-۱۷۶).

۱۲. توسل به مقام پیامبر اکرم (ص)

باید دانست که ما یک نوع توسل دیگری هم داریم که حساسیت های زیادی را برانگیخته است. به بیان دیگر بیشترین حساسیت ها در این نوع از توسل است که انسان خدا را به مقام پیامبر اکرم (ص) سوگند دهد و به وسیله همین شخصیت از خداوند بزرگ طلب حاجت کند و حاجتش، برآورده شود. در حالی که روایت ما سرشار از اینگونه توسل هاست به عقیده وهابی ها این نوع توسل جایز نیست. در ادعیه ای که از امام سجاد (ع) سایر ائمه (ع) به ما رسیده است، از این دعاها فراوان وجود دارد «اللهم انی اسألك نبیک» بسیاری از دعاها را ما دارای این توسل هاست: خدایا ما از تو به واسطه پیامبرت طلب حاجت می کنیم، یعنی بین ما و شما، پیامبرت واسطه، به خاطر مقام و احترام این شخصیت، دعای ما را مستجاب کن. وهابی ها میگویند این کار جایز، بلکه شرک است. با کمی دقت می بینیم که کجای این کلمات شرک است؟ آیا قائل به ربوبیت پیامبر (ص) هستیم؟ آیا قائل به شخصیت فوق بشری پیامبر هستیم؟ آیا رسول خدا (ص) را به مقام الوهیت رساندیم؟ همه می دانیم که هیچ کدام از اینها مطرح نیست. اگر بگویید این امر ریشه در دین ندارد پس بدعت است هم جواب این است که در دین ریشه دارد و روایتی صحیح هم در این زمینه داریم که حتی ابن تیمیه و رناعی وهابی و غیره بر صحت آنها گواهی می دهند.

۱۳. مقایسه دیدگاه صاحب المنار و آیت الله سبحانی در باره توسل

رشید رضا در مجلات مختلف المنار، به اندک مناسبتی، به این بحث پرداخته و آن را عملی شرک آمیز و جاهلانه دانسته و در مواردی همگان را دعوت به هدایت پذیری از رهنمود های قرآن نموده است ایشان همچنین در جلد ششم المنار، با بیان معانی مختلف توسل نسبت به پیامبر (ص) و مستندات روایی آن، به دیدگاه مسلمانان و شیطان نسبت به توسل می تازد و سپس در تفسیر المنار توسل را به قسم بدعی و شرعی، تقسیم می کند، و با تعریفی که نسبت به توسل شرعی ارائه می نماید

حکم به شرک آمیز بودن عمل مسلمانان (شیعیان) می نماید و آن را از مصادیق توسل بدعی قلمداد می کند. ولی آیت الله سبحانی می گوید: درست نیست که این عمل را شرک بدانیم، زیرا شرک، الوهیت و خدایی قائل شدن برای برطرف است، حال آنکه ما او را بنده صالح و پاک ترین بنده خدا می دانیم پس کجایش شرک در عبادت است. و چنین می گوید این بدعت نیز نمی باشد چون این توسل ریشه در قرآن و سنت پیامبر دارد. درباره معنای وسیله در آیه قرآن رشید رضا می گوید: وسیله چیزی است که مایه تقرب به خدا گردد و باعث امیدواری نسبت به رسیدن به رضایت و خشنودی خدا گردد و توسل، اتخاذ وسیله ای است که بدان امر شده است و آن همان عمل کردن به امور مشروع و مجاز برای تزکیه نفس است اما سبحانی می گوید قطعاً مراد از وسیله در این آیه عبارتند از «ما يتسبب به» چه انسان به وسیله آن به جایگاه، و مقامی می رسد. پس خدا دستور می دهد به یافتن وسیله، و اگر انسان در خانه خود بنشیند و بگوید: «ان الله هو الرزاق ذو القوة المنين» (ذاریات، ۵۸) ابداً رزق و روزی وارد نمی شود، جز با تلاش، بنابراین وقتی که پیامبر اکرم شنید جمعی در خانه ها نشسته اند و به حکم این آیه می گویند روزی ما می رسد، همه آنها را از خانه بیرون کرد و فرمود: درست است که خداوند رزاق است اما همان خدا دستور به کار و فعالیت می دهد. مراد از وسیله سبب است چون به دنبالش می فرماید: «و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» دستور سبب می دهد که یکی از اسباب مغفرت جهاد فی سبیل الله است و در واقع هم که باید دنبال اسباب و مسببات رفت صاحب المنار با حکم یکی خواندن عمل مسلمانان و شیعیان در توسل به ائمه (اولیاء) و مشرکان اهل کتاب و کافران به شدت نسبت به رفتار مسلمانان می خروشد و آن را عملی شرک آمیز و کفر آلود و رفتاری جاهلانه می داند. (رشید رضا - المنار، ج ۷، ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷).

اما در مقابل آیت الله سبحانی می گوید اگر واقعاً قسم دادن به خدا به حق انبیای دیگر حرام و شرک باشد، آیا

رسول گرامی خودش در قبر می خوابد و این دعا را می خواند، تا روح فاطمه بنت اسد شاداب باشد و رحمت حق شامل حالش شود، این عمل پیامبر اکرم (ص) نشان می دهد که قسم دادن خدا به حق انبیای دیگر حرام و شرک نیست پس گاهی به دعای پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب متوسل می شویم و گاهی به شخصیت آنان. (سبحانی، مرزبانی از مکتب اهل بیت، ص ۱۹۵) صاحب المنار، لازمه توسل به اولیاء و انبیاء را پذیرش و تولی و ولایت شیطان که در مقابل ولایت «الله» قرار داد می داند. (رشید رضا، المنار، ج ۳، ص ۴۳، ۴۴) لکن آیت الله سبحانی، بارد چنین نگرشی، رفتار مسلمانان در مسأله شفاعت و توجه و توسل به اولیاء خدا، را تولی ولایت رسول خدا و امام را در راستای ولایت خدا و هماهنگ با نظام تکوین و تشریح و در راستای اصل توحید می داند. (همان، ص ۲۰۴) صاحب تفسیر المنار، با ممنوع دانستن عبادت غیر خدا،

عمل مسلمانان در توسل به اولیاء صالحین و وسائط را عبادت آنان تلقی کرده و تفریح می کند که مسلمانان با انجام چنین اعمالی قطعاً، با توحید خالص و روح اسلام فاصله گرفته و در مسیر گمراهی گام بر می دارند. چراکه در نظر ایشان هرگونه توجه و توسل نسبت به اولیا واسطه ها، شرک محسوب می شود و هرگز نباید بین افراد و خدای متعال واسطه ای قرار داده نشود. (رشید رضا - المنار، ج ۳ ص ۳۳ و ۳۴۷).

اما در مقابل آیت الله سبحانی می گوید: جهان نظام اسباب و مسببات است. استعانت از ارواح مقدس و انسان هایی که در قید حیاتند، از این نظر که اینها دارای قدرتی هستند مکتسب که خدا در اختیار آنان قرار داده و اذن داده که این قدرت به نفع دیگران استفاده کند، اگر با این نگاه کمک بخواهیم، عین توحید و قرآن است (همان، ص ۲۰۴) همچنین ایشان می گویند: بشر بر گردن خداوند ابداً حقی ندارد اما گاهی خدا تفضل می کند، خودش را بدهکار و پیامبر (ص) را طلبکار می داند این حق را خودش به پیامبر می دهد، این در واقع برای این است که تواضع کند و تعلیم کند، عواطف بند را تحریک کند، بنابراین

می گوید من وامدار هستم و شما طلبکار ، در اینجا خدا حقی بر پیامبر می دهد. پیامبر اصالتاً حقی برگردن خدا ندارد، اما گاهی خدا حقی را به پیامبر می دهد. یعنی او را ذی حق و خودش را علیه الحق قرار می دهد، همه اینها جنبه استعاره و تشریفاتی و تربیتی دارد. خداوند در پیامبر اکرم (ص) مقام، منزلت و عظمت می دهد. منتها از باب اینکه «نفوذ با لله» اصالتاً ذی الحق است ، بلکه ذی الحق اصالتاً خداست ، منتها گاهی این حق را به پیامبر اکرم (ص) می دهد (همان ص ۱۸۹)

نتیجه گیری

با نگاهی دقیق و جامع نسبت به جهان هستی بهدست می آید ؛ توسل از مهم ترین قوانسن نظام حکیمانه هستی و آفرینش است که همه عقلای عالم در زندگی خود ، بر عقلانیت و مشروعیت آن اذعان دارند . به مقتضای نظام موجود در این جهان ، همه انسان ها برای نیل به کمالات و اهداف متعالی خویش ، به غیر خود محتاج اند و البته این نیاز و وابستگی در سایر موجودات نیز جریان دارد . خداوند حکیم در آیات بسیاری از قرآن ، باورمندان به نظلم متقن و تغییر ناپذیر الهی را ، دعوت به امر توسل می کند ، که برای تأثیر پذیری و کسب فیض و الطاف الهی به وسایل و اسبابی تمسک کنند که خالق جهان هستی ، آنها را آفریده و قدرت تأثیر را به ایشان بخشیده است ، تحت فرمان او ، به انجام کاری مشغول اند و در گردش این سهمی دارند و البته تنها ذات یگانه خداست که مؤثر اصلی و حقیقی است . همه موجودات برای رسیدن به کمالات نوعی خود دست نیاز به سوی موجودات دیگر دراز کرده و از یکدیگر تاثیر می پذیرند ، و اصولاً به دست آوردن هر مطلوبی ، درگر و اتخاذ وسیله و وابستگی به غیراست ، و این همان قانون توسل است که به عنوان واقعیت تکوینی ، در نظام هستی حاکم است و هیچ کس نسبت به جریان حتمی این سنت در نظام حکیمانه الهی تردید ندارد ، و بر همین اساس خداوند حکیم و رحیم که قرآن را بر اساس فطرت انسان ها نازل فرموده ، مومنین و معتقدین به نظام متقن آفرینش را برای رسیدن به فلاح و رستگاری، به پیمودن بر اساس این سنت ارشاد نموده است . از آنچه گفتیم به خوبی روشن می شود که اولاً طبق صریح قرآن و روایات و اعترافات اهل سنت ، پیامبر و ائمه در عالم برزخ زنده اند و سخنان ما را می شنوند ، ثانیاً حرف زدن با مردگان هم در قرآن آمده و هم در روایات و ثالثاً در روایات فراوانی از اهل سنت نقل شده که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت توسل شده است در نتیجه توسل به پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) هیچ اشکالی ندارد و موافق قرآن و روایات است . پس مسأله توسل امری مسلم بین مسلمانان بوده و همه بدان عمل نموده اند و اگر اختلافی است در تعیین مصداق توسل است و آیاتی که مخالفان توسل به عنوان دلیل آورده اند همه درباره مشرکان و عبادت آنان است و هیچ ربطی به موضوع ما ندارد .

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور - محمد بن مکرّم ، لسان العرب ، ۱۴۰۸ ، بیروت ، دار احیاء التراث ، ج ۷ ، ۸ ، ۱۰
- ۳- ابن تیمیه ، نقی الدین ، احمد بن عبد الحلیم ، قاعد . جلیلیه فی التوسل و الوسیله ، دمنهور، مکتب لیله، ۱۴۱۲
- ۴- جوهری ، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، تحقیق : احمد بن عبد الغفور، عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ط.ع، ۱۴۰۷
- ۵- رشیدرضا، محمد، تفسیرالقرآن العظیم ، الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ج ۱۱، ۱، ۴، ۵، ۶، ۲، ۳، ۱۴۱۶
- ۶- سبحانی، جعفر ، آیین وهابیت ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۸۰
- ۷- سبحانی ، جعفر ، مرزبانی از مکتب اهل بیت، معاونت امور فرهنگی مدیریت فرهنگی هنره مشعر ، بی تا
- ۸- طریحی ، محمد بن فخرالدین ، مجمع البحرین ، تهران ، مکتبه للمرتفسویه ، ۱۳۸۶

- ۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، و ابراهیم سامرانی، قم، منشورات دارالهجره، ۱۴۰۵
- ۱۰- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامیه، بی تا
- ۱۱- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تهران، دارالکتب المرضویه
- ۱۲- صائب، عبد الحمید ابن تیمیه، حیاته، عقائد و موقفه عند الشیعه و اهل بیت مرکز الغدیر للدراسات اسلامیه ۱۴۱۴
- ۱۳- مناقب، سید مصطفی، بررسی مسأله توسل پیامبر اکرم، نرم افزار ده هزار مقالات قرآنی کد مقاله ۹۸۹۷
- ۱۴- نوروزی حسنعلی، نور الهی سید محمد، نور مگر، تابستان ۱۳۹۱ پژوهش های اعتقادی کلامی

